

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Children

کودکان

جیران پيله وری

۱۰/۱۲/۱۱

## تلویزیون کودک... خیز و افتی شاید و شاید نه

اواخر دهه شصت.. تلویزیون را روشن می کنی. برنامه کودک پخش می کند. اتاق پر می شود؛ "ستاره ای ستاره، ... وقتی که خواب نبودی.. بابامو تو ندیدی؟؟ ... بابات پیش خدا رفت.. گریه نمی کنم من، که شاد نباشه دشمن" اواخر دهه هشتاد.. تلویزیون را روشن می کنی. برنامه خردسالان پخش می کند. اتاق پر می شود؛ "خوب عموجون مرسی که زنگ زدی. روزه هاتو می گیری؟ مامانت گرفته؟ بابات گرفته؟" سال هاست و هنوز تلویزیون رسالت خود را به خوبی انجام می دهد...

\*\*\*

دوره کودکی و نوجوانی مقطعی بسیار حساس در زندگی انسان محسوب می شود و هر تراشی که به روح و روان کودک وارد شود دوباره پاک کردنش بسیار سخت خواهد بود. از این رو هرگونه آموزش و باوری که قرار است نسبت به جامعه صورت گیرد لاجرم باید پایه اولیه آن در دوران کودکی گذاشته شود. این مسأله ای ست که دست اندرکاران و برنامه ریزان تمام رسانه ها به خوبی بدان آگاهند و از آن استفاده می کنند هرچند این تأییدی بر این نیست که این برنامه ریزی با سیاست گذاری های درست و قابل قبول انجام می شود..

تمام رسانه ها به نوعی و لزوما، درگیر مسائل کودک و نوجوان هستند هم از این نظر که کودکان و نوجوانان درصد بالایی از مخاطبان آنها را تشکیل می دهند و هم از این نظر که کودکان سرمایه و پایه آینده جامعه بشری هستند. اما در عمل چگونه است؟

سینما، کتاب، بازی ها، نشریات و وسایل کمک آموزشی کودکان و نوجوانان از جمله این رسانه ها هستند اما در عملکرد هر کدام که بنگریم می بینیم که مجال حرف بسیار است، تولید فلم های مربوط به کودکان و نوجوانان در ده سال اخیر ناکافی بوده است. در سال های هفتاد گذشته از تلویزیون تنها سینما بود که تقریباً بدون رقیب یکه تازی می کرد. چرا که جز ویدئو و کارتون های ویدئویی اندک آن دوره، تفریح بصری دیگری برای کودکان موجود نبود. اما امروزه وجود کامپیوتر و انواع کارتون ها و تکامل سیستم های تصویری و گستردگی آن در جامعه، دیگر سینمای کودک گاه حتی قادر به برگرداندن سرمایه اولی نیست و در نتیجه در این سال ها جز تعداد معدودی

طنزهای کم محتوا فلمی که مناسب گروه سنی کودک باشد تهیه نشده است و همان ها هم بیشتر با نیت فروش گیشه تولید شده اند و عملا می توان نقش سینمای کودک ایران را در پرورش کودکان امروزی بسیار ناچیز شمرد. کتاب ها و نشریات کودک هم سطحی، نامتناسب با سطح کودک و توان کودکی و متأسفانه غیرفراگیر است. در جامعه ای که سرانه مطالعه کتاب ۳۰ دقیقه (۱) است از کودک تازه توان خواندن آموخته چه توقعی می توان داشت؟ گذشته از اینکه بسیاری از کتاب ها و همین طور وسایل کمک آموزشی برای گروه خاصی طراحی شده اند و تمامی اقشار جامعه قابلیت استفاده از آنها را ندارند.

بازی ها و وسایل بازی هم که معمولا بدون مطالعات روانشناختی کودک و صرفا با نیت فروش و سود اقتصادی تهیه می شوند و معدودی که از این خاصیت میرا هستند باز هم در دسترس همگان نیستند. به عبارتی گروه مورد هدف تمام آنها کودکان خانواده هائی ست که توان مالی فراهم آوردن آنها را دارند و اصلا پیش فرض ها و سخنان و تمام آنچه در آنها برای کودکان مطرح شده خطاب به کودکی ست که متعلق به قشر متوسط رو به بالای جامعه است. در کل، اکثر این رسانه ها متعلق به بخش خصوصی هستند و در نتیجه در وهله اول با هدف سود اقتصادی فعالیت می کنند و همین مسأله موجب می شود که از پرداختن به کودکان، مگر در نقاطی که این سرمایه گذاری سودبخش است، خودداری کنند. اما در رابطه با تلویزیون مسأله متفاوت است..

تلویزیون به عنوان یکی از ارکان دولتی کشور باید هدف و نقش متفاوتی را به نسبت بقیه رسانه ها ایفاء کند. تلویزیون بخش بسیار بزرگی از بودجه کشور را به خود اختصاص می دهد و مسلما باید در راستای اهداف حاکمیت حرکت کند. و حتما در هر جامعه ای کودکان بخش مهمی از اهداف و برنامه ریزی ها را به خود اختصاص می دهند.

در دو دهه اول پس از انقلاب برنامه های شبکه کودک را کارتون های ساخت خارج و برنامه های عروسکی ساخت داخل تشکیل می داد و تلویزیون از کارتون های شخصیت محور که روند داستانی داشتند، پر شده بود. سریال های کارتون در اوج خود بودند و برنامه های عروسکی با شخصیت پردازی های دوست داشتنی محبوب کودکان بودند. اما طی دهه اخیر جای این برنامه ها را معدود کارتون ها و انیمیشن های هیجانی و متهورانه ساخت خارج و برنامه های مجری محور داخلی پر کرده است و انگار صدا و سیمای کودک دیگر چیزی برای عرضه به کودکان ندارد. به نظر می رسد عملکرد تلویزیون افت بسیاری داشته است. اما این مسأله سمت دیگری نیز دارد...

در آن سال ها کامپیوتر و اسباب بازی های آنچنانی وجود نداشت، کارتون های ویدئویی محدود بود و مراکز تفریحی متناسب با کودکان به قدری اندک بود که تلویزیون سهم بزرگی در سرگرمی کودک داشت. همچنین کشور در جنگ بود و در سال های پس از آن هم در حال بازسازی آسیب های جنگ، در نتیجه لزوم پرداختن به این شرایط و توجیه آن و همینطور پرورش نسلی که دچار نوستالژی آسیب های اجتماعی باشند، احساس می شد. در نتیجه در کنار برنامه هائی که برای سرگرم کردن کودک بود و اوقات فراغت کودک را پر می کرد برنامه هائی عرضه می شد که دارای موضوعاتی بودند که با شرایط لازم ذهنی برای کودک آن روزها همخوانی داشت.. حتی گاهی غیر مستقیم.

کارتون هائی با کودکانی درگیر.. عمدتا تک والد یا با زندگی آشفته، تنها، و درگیر مسائلی که محیط زندگی به آنها عرضه می کرد و باید خود دست به کار می شدند.. بی نوایان، سارا کورو، بلفی و لی لی پیت، بل و سباستین، چوبین، بچه های کوهستان آلپ، دختری به نام نل، هاج زنبور عسل، حنا دختری در مزرعه، علی کوچولو، خانواده دکتر ارنست، ماجراهای سندباد، کار و اندیشه، زنان کوچک و ...

در کنار این، کارتون های عروسکی و معدود کارتون های ساخت داخل با تمرکز بر خانواده و تحکیم روابط خانوادگی پخش می شد. هادی و هدی که نمایانگر خانواده ای نمونه بودند، خونه مادر بزرگه، سمندون و .. کم کم با به وجود آمدن تفریحات دیگر برای جامعه کودک، نقش تلویزیون در تفریحات کودک امروزی کمتر شد، هرچند این به معنی کمرنگ شدن نقش آن در زندگی آنها نیست. مدل برنامه ها تغییر فاحشی کرد.. پخش کارتون های ساخت خارج به حداقل رسید (گذشته از مقوله تحریم ها) چرا که مفاهیمی که کودکان جهان امروز با آن روبرو و درگیر هستند مشترک با کودکان ما نیست و این برنامه ها دیگر انتقال دهنده و منعکس کننده هنجارها و ناهنجارهای مورد نظر جامعه ما نیستند. همچنین متأسفانه با گذشت سالیان دراز کشور ما هنوز در تولید و تهیه کارتون ها و انیمیشن ها، بسیار ضعیف عمل می کند. در واقع تولید سالی ۲۰۰ ساعت (۲) نمی تواند پاسخگوی شبکه های تلویزیونی کودک باشد. و کیفیت تولیدات داخلی هم در مقایسه با تولیدات خارجی چنگی به دل نمی زند و کودکان به خوبی متوجه این تفاوت ها می شوند.

پس کارتون های این روزها یا ساخت خارج و با مصادیق تخیلی و هیجانی و درگیر کننده ذهن کودک هستند بدون اینکه شخصیت پردازی های واقع گرایانه داشته باشند و یا ساخت داخل با مضامین مذهبی که به جز ارائه مفاهیم انتخاب شده مذهبی و اجتماعی باری چیزی برای کودک ندارند. از آن طرف انواع بازی های کامپیوتری، اسباب بازی های متنوع و هجوم کارتون های ساخت خارج به شبکه های خانگی قسمت بزرگی از بار تلویزیون را به دوش کشیده و در نتیجه وجود این جایگزین، تلویزیون به جای برنامه ریزی برای ساخت و تلاش حداکثر برای تولید برنامه های ویژه کودکان از مجری های گوناگونی استفاده می گیرد که جایگزین شخصیت های محبوب کارتونی شده اند. عمو پورنگ، خاله سارا، خاله شادونه، خاله نرگس، عمو قناد، عمو نیما... چنانچه سه برنامه برتر بهار ۸۹ از دید کودکان عمو پورنگ، گروه فینتیل و رنگین کمان بوده اند که هر سه برنامه اجرائی هستند (۳).

**این مجریان بیشتر از پدر و مادر گاهی با کودک ارتباط برقرار می کنند چرا که همیشه روی خوش و زبان کودکان دارند، کودک وقت بیشتری را به طور متمرکز با آنها می گذراند تا با والدینش و در نتیجه به راحتی با کودک ارتباط برقرار می کنند و پل ارتباطی بین کودک و مفاهیمی هستند که باید در شخصیت سازی کودک این جامعه نقش داشته باشد. مفاهیمی مثل تشویق کودک به اطلاع رسانی در صورت تخلف والدین، ایجاد فضای رقابت ناسالم، تشویق حرف شنوی، پررنگ کردن نظم اجتماعی برای کودکی که هنوز درگیر هضم نظم خانگی ست، باوراندن آموزه های مذهبی بدون ایجاد آگاهی و درک درست، پررنگ کردن توهم مبارزه و دشمن ستیزی ... که قرار است ویژگی های نسل برخاسته از کودکان امروزی باشد.**

\*\*\*

مرور عملکرد تلویزیون در شبکه های کودک و نوجوان به خوبی نشان دهنده این است که شاید آنگونه که مردم از آن انتظار داشته اند کودک محور و برای کودکان عمل نکرده است اما همچنین تأیید کننده این است که اصولاً رسانه تلویزیون دو نقش تاریخی را در همه جای جهان حتی- داراست: **توجیه عملکرد حاکمیت و ترویج و درونی سازی ایدئولوژی آن.**

و سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های آن حتی در حیطه کودک و نوجوان هم منطبق بر دو نقشی ست که برای آن نام بردیم..

سال هاست و هنوز تلویزیون رسالت خود را به خوبی انجام می دهد...

(۱) آذر [قوس] ۸۹، بهمن دری؛ معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

(۲) شهریور [اسد] ۸۹، مهدی ارگانی؛ مدیر اداره کل پویانمایی صبا

(۳) مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی

#### یادداشت:

ضمن ابراز امتنان از همکار گرانقدر ما "جیران پیله وری" که چنین مطلب ارزشمندی را نگاشته اند، و توصیه مطالعه این مقاله به تمام خوانندگان و قلم به دستان همکار پورتال، توجه همه را به نقش رسانه ها به خصوص تلویزیون ها و برنامه های آنها در داخل افغانستان به ارتباط کودکان و آینده آنها جلب می نمایم. کودکانی که به صورت عمده چه از طرف خانواده ها و چه هم از طرف جامعه از لحاظ تربیتی تنها گذاشته شده و هیچ کسی در دنیای پر آشوب افغانستان اشغالی به فکر آینده آنها نیست. رسانه ها به خصوص تلویزیون چه شخصی و چه هم دولتی آگاهانه و مستمر به تبلیغ فرهنگ های استعماری و استحارای و پخش برنامه های برده ساز مصروف می باشند. چنین وضعیتی از همه ما می خواهد تا در کنار انجام سایر وظایف مبارزاتی، آینده کودکان ما را که آینده و تاریخ کشور ما بدان وابسته است، یک لحظه از نظر دور نداشته و با تمام قوا بکوشیم تا فرزندان کشور را به مثابه نگهبانان واقعی موجودیت و آزادی افغانستان عزیز پرورش بدهیم. به اعتقاد ما، یکی از مواردیکه می تواند به مثابه محک در صحت و سقم ادعای وطن پرستی به شمار آید، چگونگی برخورد با آینده کودکان یک جامعه می باشد.

با کمال محبت

ویراستار بخش اجتماعی پورتال AA-AA